شناسنامه فایل

نام مجله:ایران گمنام

ژانر:طنز-ادبی

سری دهم مجله تک رمان

شهریور 1401

جلد مجله

مجله ایران گم‌نام
توسط تیم مجلهٔ تک رمان
Taak Roman
ایران گم‌نام
پیش گفتار
مجلهٔ فرهنگی، تاریخی
ایران گم‌نام
ارائه‌ای جالب و هیجان‌انگیز از انجمن تک‌رمان
تک‌رمانی‌های عزیز...
شما به یک سفر شگفت انگیز دعوت شده‌اید!
لحظاتی میان سرزمین خیال و قلم و سفری دل انگیز به شهر افسانه‌های ایران عزیزمان.
دقایقی با سرگذشت ایرانمان و آداب و رسوم آن همراه شوید.
بلیت ورود شما، دانلود مجله ایران گم‌نام است!
منبع تایپ و دانلود: سایت و انجمن تک رمان
Des By: Greenvoice
www.taakroman.ir

معرفی اعضا

green.voice
طراح جلد

sara
مجله نویس

kiyan
مدیریت و طراح تیم

hal money
مجله نویس

pegah.a
ویراستار

Ghasam.h
مجله نویس

mastan
مجله نویس

پیش گفتار 5
داستان 8
افسانه‌های ایرانی 13
مصاحبه..... 22
آیا میدانید؟..... 27
فان تایم..... 29
معرفی انیمیشن..... 33
معرفی فیلم..... 35
معرفی کتاب..... 37
اوریگامی..... 38
سخن پایانی..... 40

پیش گفتار

سلام تک‌رمانی‌های عزیز ...

شما به یک سفر شگفت انگیز دعوت شده‌اید.

لحظاتی میان سرزمین خیال و قلم و

سفری دل انگیز به شهر افسانه‌های ایران عزیزمان.

دقایقی با سرگذشت ایرانمان و آداب و رسوم آن همراه شوید.

بلیت ورود شما،دانلود مجله ایران گمنام است.

هوای ما رو
داشته باشین!

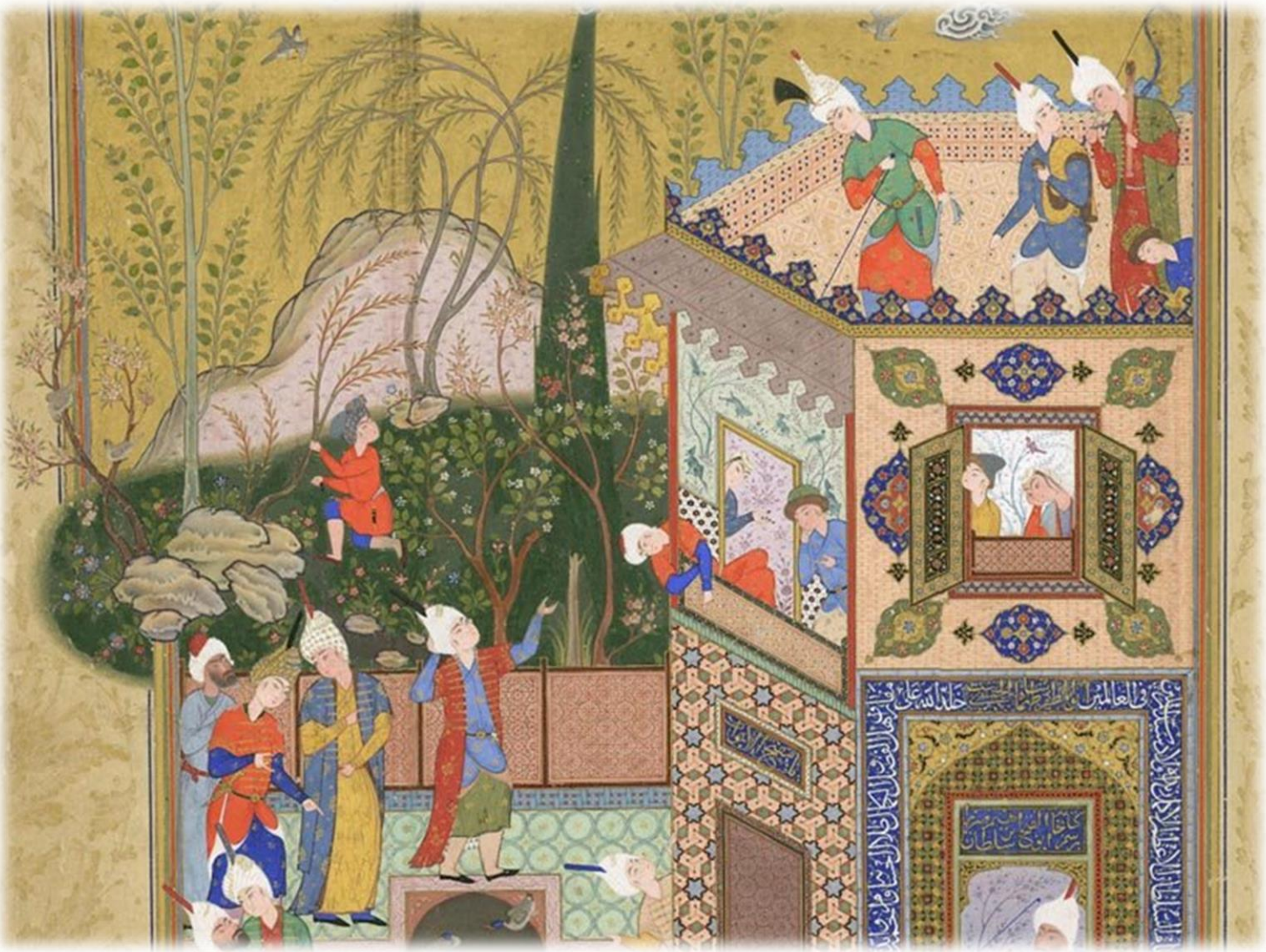

نویسنده: ghasam.h

به نام خدا !

موضوع انشا: قومیت‌های ایرانی

از زمان‌های بسیار دور، این‌طور حکایت کرده‌اند که روزی حکیمی با شاگردش از خیا*با*نی می‌گذشت که ناگهان سه گدای معروف شهر، مقابل او ظاهر شدند .آن‌ها درخواست سکه‌ای از حکیم کردند تا بتوانند صبحانه‌ای برای خود بخرند .حکیم که کلاً آدمی خجالتی بود، حتی در مقابل فقیران هم در رودربایستی ماند و نتوانست نه بگوید؛ اما از آن‌جایی که صبح، قبل از بیرون آمدن از خانه، کارت اعتباری، عه نه چیزه، کیسه‌ی پول‌هایش را به دست عیال محترمه سپرده بود تا لباسی برای کور کردن چشم اقدس خانم در مجلس عروسی دختر اکرم خانم، بخرد؛ تنها سکه‌ای که در جیب داشت را به فقیران داد و گفت که آن را بین خود تقسیم کنند.

فقیرها از سه قومیت مختلف ایران بودند که هیچ‌کدام تسلط کاملی به زبان یکدیگر

نداشتند. فقیر اولی فارس، فقیر دوم ترک و فقیر سوم عرب بود. حکیم که به زبان هر سه مسلط بود، برای هر سه توضیح داد که باید با تنها سکه‌ای که دارند، چیز مشترکی برای صبحانه بخرند. با تمام شدن صحبت حکیم، فقیر فارس، سکه را قاپید و گفت:

-انگورا! فقط انگور می‌خریم!

فقیر ترک که کمابیش منظور فارس را فهمیده بود، با خشم به سوی فقیر فارس حمله‌ور شد و درحالی‌که سعی می‌کرد سکه را از دست او بگیرد، گفت:

-اوزوم می‌خوریم! انگور نه!

ابروهای حکیم از دیدن جدال بی‌فایده‌ای که راه‌حلی آسان داشت بالا پرید .خواست چیزی بگوید که فقیر عرب هم مانند قاشقی نَشُسته وسط دعوا پرید.

-عنب بخریم!

حکیم تک‌خنده‌ای زد و با دیدن جدالی که هر لحظه جالب‌تر میشد، کنار خیابان جایی برای نشستن پیدا کرد و با دستی که زیر چانه زده بود، با شوق خیره به جدال فقران ماند.

-تازه فصل انگور آمده، باید نوبرانه بخوریم.

-اوزوم می‌خوریم!

-عنب!

حکیم خنده‌ای کرد و سقلمه‌ای به شاگرد جوانش زد.

-بپر یه پاکت پاپ‌کرن بیار، موضوع داره جالب میشه.

و اصلاً به این نکته‌ی ظریف که در آن زمان پاپ‌کرنی وجود نداشت دقت نکرد!

با برگشتن شاگرد و پول گزافی که از جیبش رفته بود، حکیم مشت مشت پفیلا به دهن ریخت و به دعوایی که هر لحظه خونین‌تر میشد، نگاه کرد.

-استاد الان شاگردها به مکتب رسیده‌اند.

حکیم «به جهنم»ای نثار شاگردش کرد و منتظر ریخته شدن خون فقیران بود. گویا حکیم به فیلم جنایی علاقمند بود و حالا نمی‌خواست فیلم جنایی‌ای که از نزدیک، شاهد آن بود را از دست بدهد. ما هم از این نکته‌ی کوچک که در آن زمان هنوز فیلم اختراع نشده بود می‌گذریم!

گیس و گیس‌کشی فقیران هنوز ادامه داشت، حکیم دیگر حوصله‌اش از جدال آن‌ها سر رفت. بالای سکویی رفت و با صدایی که بلندگو پیش آن کم می‌آورد، به زبان هر سه فقیر فریاد زد:

-کافیه!

فقیران که از هم جدا شدند، حکیم از سکو پایین آمد و چشم در کاسه چرخاند. با پوف کشیدنی، زیر ل*ب غر زد:

-فیلم جنایی هم فقط فیلم‌های جنایی نتفلیکس!

رو به فقیران کرد و برای هر کدام به زبان خودش گفت:

-اون سکه‌ی بی‌صاحاب شده را به من بدید تا خودم براتون خرید کنم. دنبالم بیاید!

سکه را از دست مرد فارس گرفت و به سمت میوه‌فروشی راه افتاد. با رسیدنش، سلامی به ابی سیبیل کرد و با دادن سکه به او گفت:

-سه خوشه انگور به این سه نفر بده.

هر فقیر که خوشه‌ی انگور خودش را گرفت، تازه متوجه شد منظور دیگر هم با منظور خودش یکی بوده و فقط زبان‌هایشان متفاوت بوده. بعد هر سه فقیر خندیدند و بعد از روبوسی و م*اچ و موچ، مشغول خوردن انگورهایشان شدند.

نتیجه‌ی اخلاقی انشای من: تا وقتی که زبان دیگری را نفهمیدیم، به او حمله نکنیم.

نتیجه اخلاقی دوم: سطح دعواهایمان را تا سطح فیلم‌های نتفلیکس افزایش دهیم.

این بود داستان من!

افسانه:hal money

بختک:

بختک از موجوداتی است که حتی برخی از مردم ایران هنوز هم به وجود آن اعتقاد دارند. در افسانه‌های ایران، بختک موجودی است که وقتی انسان خواب است به سراغ او می‌آید و با قفل کردن ب*دن او می‌خواهد او را خفه کند؛ البته امروزه می‌دانیم که این حالتی است که انسان در خواب به سبب دیدن رویای ترسناک به آن دچار می‌شود و پس از بیدار شدن حس خفقان و سنگینی دارد.

بابادریا:

بابا دریا در افسانه‌های ایران مردی سیاه‌پو*ست است که قامتی بلند داشته و روزها را در دریا می‌گذراند. بابا دریا شب‌ها برای خوابیدن به ساحل آمده و گاهی در این آمدن هرکس که سر راهش قرار بگیرد را با خود به دریا می‌برد.

پری دریایی:

پری در ایران باستان به دو صورت معرفی شده است. در اوستا پری موجودی اهریمنی و شرور است که به شکل صورت زیبای زنی ظاهر شده و قصد فریب مردم و دیوانه کردنشان را دارد؛ ولی این موجود در دوران بعد از اسلام نقطه مقابل پری در اوستا است. پری در دوران پس از اسلام موجودی نیک‌سرشت است که مردم را به خوشبختی می‌رساند.

از معروفترین پری‌های موجود در داستان‌های ایرانی پری داستان‌های جمشید است که خوشبختی را تقسیم می‌کند.

سیمرغ:

سیمرغ از معروف‌ترین افسانه‌های ایران است. سیمرغ در کوه کناف زندگی کرده و خردمندی از ویژگی‌های او است. سیمرغ در داستان‌های شاهنامه جایگاه ویژه‌ای دارد. سیمرغ زال را پرورش داده و به رستم در جنگ با اسفندیار کمک می‌کند .البته تنها فردوسی نبوده که از این موجود افسانه‌ای در داستان‌های خود استفاده کرده است. سیمرغ از معروف‌ترین موجودات منطق‌الطیر عطار نیشابوری نیز است.

گلیمگوش:

این موجودات به شکل انسان‌ها بوده‌اند با این تفاوت که گوش‌هایی بزرگی داشته و از گوش‌های خود به عنوان بستر و لحاف استفاده می‌کردند. از این‌رو به آن‌ها گوش بستر هم گفته می‌شود.

در کتاب‌های پیامبران گلیمگوش‌ها دارای قومی به نام یاجوج ماجوج بوده‌اند که زاد و ولد بسیاری داشته و به سبب زیاد بودن تعداد افراد قبیلشان به هر مکانی می‌رفتند و آذوقه‌های آن‌جا را تمام می‌کردند. آن‌ها صدای آزاردهنده‌ای دارند و وقتی به سرزمینی می‌رسیدند مردم آن سرزمین به کوه‌ها پناه می‌بردند.

لولوخورخوره:

موجودی که به لولو هم معروف است موجودی خیالی است که برای ترساندن بچه‌ها از اسم آن استفاده می‌شود. لولوخورخوره شکل خاصی ندارد و معمولاً پدر و مادرها برای تنبیه بچه‌های خود به خصوص زمانی که غذا نمی‌خورند از اسم لولوخورخوره استفاده کرده تا او را بترسانند و این را به او تلقین کنند که در صورت غذا نخوردن، لولو آن‌ها را خواهد خورد.

اسم لولوخورخوره معنایی بسیار خوار دارد. ظاهر لولوخورخوره در جایی اشاره نشده و به طور کل تصور هر خانواده‌ای از اهریمن می‌تواند شکل ظاهری لولوخورخوره باشد. در فرهنگ جمهوری آذربایجان مردم لولو را موجودی می‌دانند که فرزندانشان را به

خوش‌رفتاری مجبور می‌سازد. در فرهنگ آن‌ها لولوخورخوره خوخان نام دارد.
در فرهنگ مردم انگلیش لولو را به نام بوگی من می‌شناسند. در فرهنگ مردم بلژیک نیز به لولو اود رود اوژن می‌گویند. این موجود چهره‌ای نداشته و می‌تواند خود را به هر شکلی که می‌خواهد دربیاورد. در یونان لولو نام بابولاس را دارد که معمولا در تخت‌خواب مردم قایم می‌شود.

مردآزما:

این موجود نوعی از جن‌ها است که به باور مردم بلوچ هر کس از او نترسد این موجود با او دوست می‌شود و اگر از او بترسد فرد را با ترساندن از بین می‌برد. در افسانه‌های ایران آمده است که مردآزما بر مسافران ظاهر شده و با تغییر شکل، آن‌ها را می‌ترساند تا با این کار میزان نترس بودنشان را بفهمد. در خراسان جنوبی مردآزما را به مرده‌آزما می‌شناسند که صورت زشت زنی را داشته و با داشتن چاک د*ه*ان عمودی و دندان‌های افقی، چهره‌ای ترسناک دارد.

عمو نوروز:

عمو نوروز که به بابا نوروز هم معروف است، فردی است که در شب‌های عید نوروز به بچه‌ها هدیه می‌دهد. مردمان سیستانی به جای بابا نوروز به وجود بی‌بی نوروز یا بی‌بی گل افروز باور دارند.

ننه سرما:

شخصیتی مانند عمو نوروز است که در زمستان پیدایش می‌شود. پیدایش این موجود به زمان زرتشت برمی‌گردد.

هما:

هما در افسانه‌های ایران نمادی از خوشبختی و سعادت است. این موجود که شکلی پرنده مانند دارد بر سر هر کس سایه بیفکند او را خوشبخت کرده و زندگی پر از سعادتی را برای او به وجود می‌آورد. از این‌رو این موجود به مرغ سعادت نیز معروف است. جالب

است بدانید که در خرابه‌های تخت جمشید دو مجسمه از هما پیدا شده که نشانگر اعتقاد ایرانیان باستان به سعادت‌مندی آوردن این پرنده است.بختک:

بختک از موجوداتی است که حتی برخی از مردم ایران هنوز هم به وجود آن اعتقاد دارند. در افسانه‌های ایران، بختک موجودی است که وقتی انسان خواب است به سراغ او می‌آید و با قفل کردن ب*دن او می‌خواهد او را خفه کند؛ البته امروزه می‌دانیم که این حالتی است که انسان در خواب به سبب دیدن رویای ترسناک به آن دچار می‌شود و پس از بیدار شدن حس خفقان و سنگینی دارد.

بابادریا:

بابا دریا در افسانه‌های ایران مردی سیاه‌پو*ست است که قامتی بلند داشته و روزها را در دریا می‌گذراند. بابا دریا شب‌ها برای خوابیدن به ساحل آمده و گاهی در این آمدن هرکس که سر راهش قرار بگیرد را با خود به دریا می‌برد.

پری دریایی:

پری در ایران باستان به دو صورت معرفی شده است. در اوستا پری موجودی اهریمنی و شرور است که به شکل صورت زیبای زنی ظاهر شده و قصد فریب مردم و دیوانه کردنشان را دارد؛ ولی این موجود در دوران بعد از اسلام نقطه مقابل پری در اوستا است. پری در دوران پس از اسلام موجودی نیک‌سرشت است که مردم را به خوشبختی می‌رساند.

از معروفترین پری‌های موجود در داستان‌های ایرانی پری داستان‌های جمشید است که خوشبختی را تقسیم می‌کند.

سیمرغ:

سیمرغ از معروف‌ترین افسانه‌های ایران است. سیمرغ در کوه کناف زندگی کرده و خردمندی از ویژگی‌های او است. سیمرغ در داستان‌های شاهنامه جایگاه ویژه‌ای دارد. سیمرغ زال را پرورش داده و به رستم در جنگ با اسفندیار کمک می‌کند. البته تنها فردوسی نبوده که از این موجود افسانه‌ای در داستان‌های خود استفاده کرده است. سیمرغ از معروف‌ترین موجودات منطق‌الطیر عطار نیشابوری نیز است.

گلیمگوش:

این موجودات به شکل انسان‌ها بوده‌اند با این تفاوت که گوش‌هایی بزرگی داشته و از گوش‌های خود به عنوان بستر و لحاف استفاده می‌کردند. از این‌رو به آن‌ها گوش بستر هم گفته می‌شود.

در کتاب‌های پیامبران گلیمگوش‌ها دارای قومی به نام یاجوج ماجوج بوده‌اند که زاد و ولد بسیاری داشته و به سبب زیاد بودن تعداد افراد قبیلشان به هر مکانی می‌رفتند و آذوقه‌های آن‌جا را تمام می‌کردند. آن‌ها صدای آزاردهنده‌ای دارند و وقتی به سرزمینی می‌رسیدند مردم آن سرزمین به کوه‌ها پناه می‌بردند.

لولوخورخوره:

موجودی که به لولو هم معروف است موجودی خیالی است که برای ترساندن بچه‌ها از اسم آن استفاده می‌شود. لولوخورخوره شکل خاصی ندارد و معمولاً پدر و مادرها برای تنبیه بچه‌های خود به خصوص زمانی که غذا نمی‌خورند از اسم لولوخورخوره استفاده کرده تا او را بترسانند و این را به او تلقین کنند که در صورت غذا نخوردن، لولو آن‌ها را خواهد خورد.

اسم لولوخورخوره معنایی بسیار خوار دارد. ظاهر لولوخورخوره در جایی اشاره نشده و به طور کل تصور هر خانواده‌ای از اهریمن می‌تواند شکل ظاهری لولوخورخوره باشد. در

فرهنگ جمهوری آذربایجان مردم لولو را موجودی می‌دانند که فرزندانشان را به خوش‌رفتاری مجبور می‌سازد. در فرهنگ آن‌ها لولوخورخوره خوخان نام دارد.

در فرهنگ مردم انگلیش لولو را به نام بوگی من می‌شناسند. در فرهنگ مردم بلژیک نیز به لولو اود رود اوژن می‌گویند. این موجود چهره‌ای نداشته و می‌تواند خود را به هر شکلی که می‌خواهد دربیاورد. در یونان لولو نام بابولاس را دارد که معمولا در تخت‌خواب مردم قایم می‌شود.

مردآزما:

این موجود نوعی از جن‌ها است که به باور مردم بلوچ هر کس از او نترسد این موجود با او دوست می‌شود و اگر از او بترسد فرد را با ترساندن از بین می‌برد. در افسانه‌های ایران آمده است که مردآزما بر مسافران ظاهر شده و با تغییر شکل، آن‌ها را می‌ترساند تا با این کار میزان نترس بودنشان را بفهمد. در خراسان جنوبی مردآزما را به مرده‌آزما می‌شناسند که صورت زشت زنی را داشته و با داشتن چاک د*ه*ان عمودی و دندان‌های افقی، چهره‌ای ترسناک دارد.

عمو نوروز:

عمو نوروز که به بابا نوروز هم معروف است، فردی است که در شب‌های عید نوروز به بچه‌ها هدیه می‌دهد. مردمان سیستانی به جای بابا نوروز به وجود بی‌بی نوروز یا بی‌بی گل افروز باور دارند.

ننه سرما:

شخصیتی مانند عمو نوروز است که در زمستان پیدایش می‌شود. پیدایش این موجود به زمان زرتشت برمی‌گردد.

هما:

هما در افسانه‌های ایران نمادی از خوشبختی و سعادت است. این موجود که شکلی پرنده مانند دارد بر سر هر کس سایه بیفکند او را خوشبخت کرده و زندگی پر از سعادتی را برای او به وجود می‌آورد. از این‌رو این موجود به مرغ سعادت نیز معروف است. جالب است بدانید که در خرابه‌های تخت جمشید دو مجسمه از هما پیدا شده که نشانگر اعتقاد ایرانیان باستان به سعادت‌مندی آوردن این پرنده است.

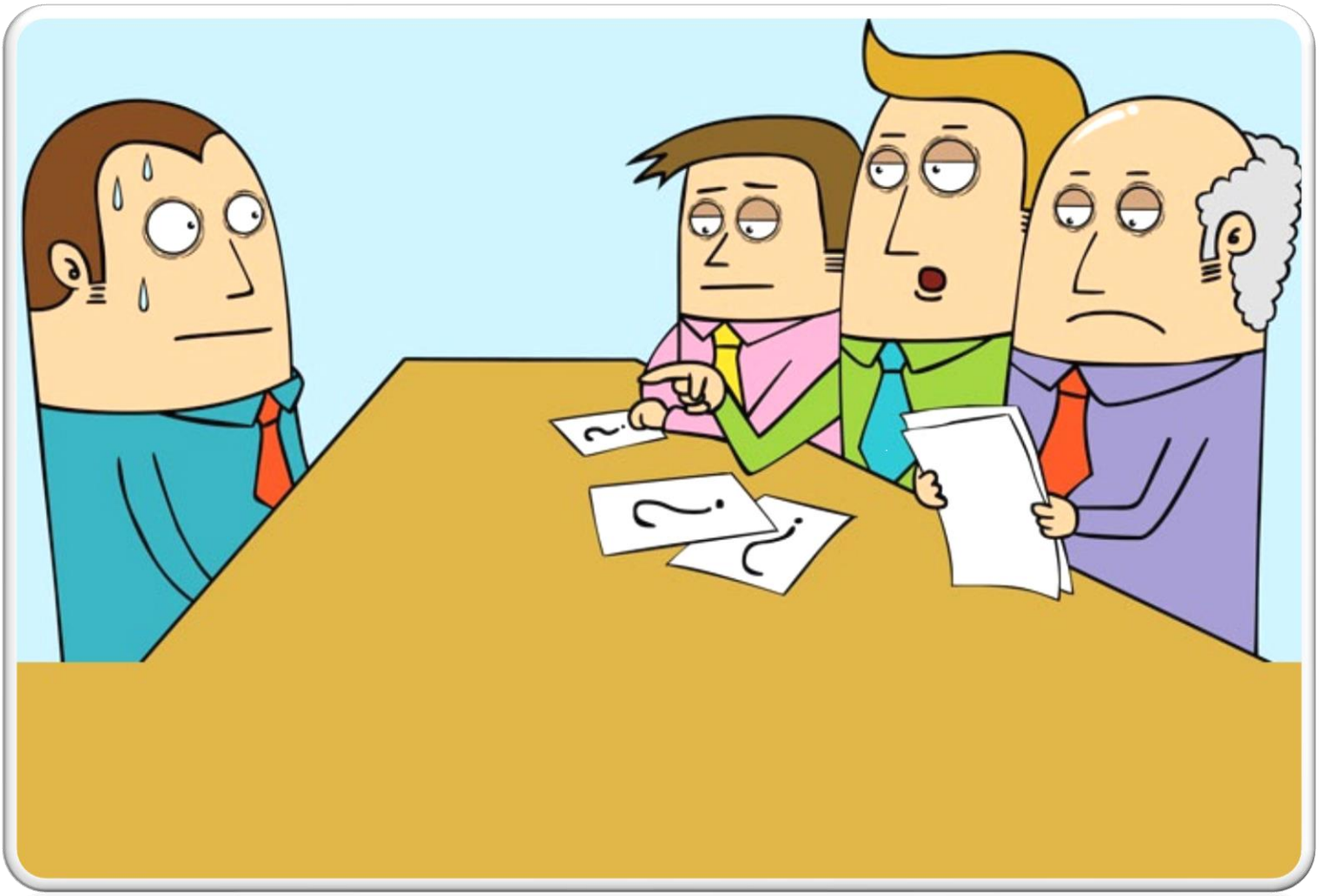

مصاحبه با:sara

توسط:Hal money

۱ -خودت رو برای خواننده های عزیزمون معرفی می‌کنی؟!

سارا هستم، ۱۸ ساله و اهل پایتختِ ایران، تهران، فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم تجربی.

۲- کمی درباره رنک‌هات بگو.

در حال حاضر مدیر تالار رمان، ناظر، ویراستار و روزنامه‌نگار هستم و بیشتر سعی می‌کنم توی تیم‌هایی فعالیت کنم که به رنک اصلیم یعنی نظارت مربوط میشن.

۳- تابستونت چطور می‌گذره؟ این فصل رو دوست داری؟

نسبتاً خوب می‌گذره و میشه گفت با تابستون سال‌های گذشته خیلی برام متفاوت‌تر و خاص‌تره.

فصل موردعلاقه‌ام نیست اما مشکلی هم باهاش ندارم(:

البته تابستون هم می‌تونه یکی از بهترین فصل‌های سال باشه به شرطی که هواش این‌قدر گرم و آزاردهنده نباشه

۴- لطفاً کمی درباره عضویتت برامون بگو!

حدودا ۵.۶ سال پیش عضو یکی از انجمن‌های قدیمی رمان‌نویسی بودم و بعد از بسته شدنش مدت‌ها بود که به جز مطالعه رمان فعالیت خاصی در این زمینه نداشتم.

و در نهایت برای عضویت و فعالیت مجدد، انجمن تک رمان رو انتخاب کردم.

اوایل عضویت هم نقش چندان پررنگ و فعالیت خاصی نداشتم و مدتیه که فعالیتم رو بیشتر کردم.

۵ -مهارت‌هایی که دوست داری و مهارتی که به عنوان شغل می‌بینی رو میگی؟ آیا در این راستا کاری هم انجام دادی؟

نویسندگی، ترجمه، ویرایش و... همه جزو مهارت‌هایی هستن که بهشون علاقه دارم و البته میشه به عنوان شغل هم اون‌ها رو انتخاب کرد.

بیشتر کارهایی که در این زمینه‌ها انجام دادم به صورت رایگان بودن و تا به حال به عنوان شغل و با داشتن درآمد خاصی بهشون نگاه نکردم؛ اما در آینده برنامه‌هایی براشون دارم.

۶ -از اون‌جایی که این مجله درباره ایران هستش، کمی از زیبایی‌های شهر و دیارت برامون میگی!

متاسفانه تهران به علت این‌که پایتخت هست بیش از حد شلوغه اما تک‌تک خیابون‌هاش می‌تونن یه جای دیدنی و جذاب باشن.
برج آزادی، برج میلاد، کاخ سعدآباد، موزه جواهرات، کاخ گلستان، همه جاهای زیبا و فوق‌العاده‌ای هستن.
دربند و بام تهران هم به شدت معروفن و توی اکثر رمان‌ها یه رد و نشونی ازشون بوده و هست

۷ -اگه قرار بود برا اسکان موقت شهر یا شهرهایی رو انتخاب کنی چه انتخابی می‌کردی و چرا؟

ترجیح میدم که به یه شهر کوچیک و نسبتاً کم‌جمعیت برم چون بیش از حد از شلوغی و سروصدا فراری‌ام!

رفتن به یکی از شهرها یا روستاهای اطراف شمالِ کشور می‌تونه انتخاب خوبی برام باشه.

۸ -به آثار تاریخی علاقه داری؟ (اگه جوابت مثبتِ) چرا؟!

علاقه دارم اما نه به همه‌ی آثار تاریخی. بیشتر به آثار تاریخی دوره‌ی هخامنشیان علاقه‌مندم و دوست دارم بیشتر راجع به این دوران بدونم.

۹ -همون‌طور که می‌دونی ایران به ادبیات و سروده‌های شاعرانش معروف هست، چه شاعر یا شاعران و یا حتی سبک‌های شعر رو دوست داری؟

بیشتر به شعرهای شاعران معاصر علاقه دارم و بهشون جذب میشم.
سبک‌های شعرنو و غزل رو ترجیح میدم.
خانم فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، سیمین بهبهانی از شاعران موردعلاقه ام هستن.

۱۰ -قبل این‌که یادم بره نظرت رو درباره انجمن میگی؟!(محتوا، آدم‌ها و حرفه‌ی نویسندگی)

بنظرم انجمن تک‌رمان از ایده‌های جدید و جذابی استفاده میکنه و همین اون رو از بقیه انجمن‌ها متمایز میکنه.
به شدت از نویسنده‌ها حمایت میکنه و بستر هر نوع فعالیتی رو فراهم کرده.
جذاب‌ترین بخشش هم مربوط میشه به نشریه تک رمان که بقیه انجمن‌ها از اون بی‌بهره‌اند.
در این بین بعضی از نویسنده‌ها واقعاً از این موقعیت و بستر استفاده میکنن و به چشم می‌بینم که روز به روز پیشرفت می‌کنن و بهتر میشن.
اکثر اعضای انجمن هم به خصوص مدیرهای انجمن، واقعاً دلسوزانه زحمت می‌کشن و به شدت پرتلاشن♡

امیدوارم انجمن تک رمان در آینده‌ای نزدیک بیشتر دیده بشه و بتونه به افراد بیشتری کمک کنه.

۱۱ -اگه قرار بود یکی از آرزوهات رو با دیگران به اشتراک بذاری، چه آرزویی بود؟

در حال حاضر هیچ آرزویی ندارم و چیزهایی که میخوام بهشون برسم بیشتر برام حکم هدف‌های کوتاه مدت و بلند مدت رو دارن و خب چیزهای قبل اشتراکی نیستن

۱۲ -چیزی هست که بخوای بگی و نپرسیده باشم؟

نه؛ فکر می‌کنم همه‌چیز کامل و عالی بود

خسته نباشی عزیزم!

۱۳ -حرفی، سخنی، پیشنهادی، انتقادی یا نصیحتی برای تک‌رمانی‌ها داری؟

حرفم بیشتر جنبه‌ی نصحیت داره؛ اما میشه گفت انتقاد هم هست:

به نظرم انجمن تک‌رمان احتیاج به نظارت بیشتر و وقت بیشتری داره تا بتونه جای خودش رو بگیره و پیشرفت کنه و این امکان تلاشِ بیشتر کاربرهای انجمن و تیم مدیریتش رو می‌طلبه تا محقق بشه.

ممنون از hal mony عزیز که من رو برای مصاحبه انتخاب کردی امیدوارم پاسخ‌های مناسبی داده باشم.

آیا میدانید؟

نویسنده:ghasam.h

از اون‌جایی که موضوع این مجله فرهنگ‌های قشنگ ایران هست، ما تصمیم گرفتیم برای قسمت آیا می‌دانید، چندتا از آداب و رسوم و قوانین جالب و خنده‌دار در فرهنگ‌های مختلف رو براتون بیاریم. امیدوارم از خوندن این آیا می‌دانیدهای جدید ل*ذت ببرید.

آیا می‌دانید در ایرلند، نوشیدن نوشابه در مقابل گاوها ممنوع است؟

آیا می‌دانید در سوئیس، کشیدن سیفون بعد از ساعت ۱۰:۰۰ ممنوع است؟

آیا می‌دانید در اتریش، خوردن بستنی در جلوی بانک‌ها ممنوع است؟

آیا می‌دانید در اتریش، خوابیدن در بازارها نیز ممنوع است؟

آیا می‌دانید در روسیه، لیز خوردن در برف در ماه می و ژوئن ممنوع است؟

آیا می‌دانید در سنگاپور فروش یا جویدن آدامس ممنوع است؟

آیا می‌دانید در استرالیا گردش در شب با لباس سیاه و کفش پلاستیکی ممنوع است؟

آیا می‌دانید در بوروندی، غذا دادن به گربه‌ها برای هر خانواده‌ای که پنج فرزند دارد، ممنوع است؟

آیا می‌دانید در دانمارک، شستن خوک‌ها در روز یکشنبه ممنوع است؟

آیا می‌دانید در دبی رانندگی با ماشین کثیف در سطح شهر جریمه‌ی نقدی به همراه دارد؟

آیا می‌دانید چیدن زیتون نرسیده در ترکیه تخلف محسوب می‌شود و جریمه نقدی به همراه دارد؟

فان تایم:ghasam.h

»نهنگ« چیست؟

خواهش من از لپ‌تاپم وقتی هنگه و به پرت پرت میفته.

***

قبل از ازدواج راجع به زلف و گیسوی یار، انواع و اقسام شعرهای عاشقانه میگن،

بعد ازدواج یه نخ گیسوی یار اگه تو غذا باشه بشقاب رو توی حلقش می‌کنن.

***

دختر همسایمون زنگ خونمون رو زده، رفتم درو باز کردم

میگم: سلام بفرمایید؟

میگه: سلام، خونه‌اید؟

گفتم: نه منو که می‌بینی آخرین مدل پیغام‌گیر هستم، لطفاً بعد از شنیدن صدای بوق پیغام خودتان را بگذارید!

***

به بابام میگم بهترین پسرِ دنیا رو داشتن چه

حسیه؟

میگه نمی‌دونم برو از مادر بزرگت بپرس!

حقیقتاً اعتماد به نفسش کمرم رو شکوند/:

***

وقتی یه اتفاق بد برای یه ایرانی میفته، دو دسته وجود دارن:

-1خودش و اطرافیانش که اعتقاد دارن، چشم خورده.

-2دشمناش که اعتقاد دارن بالاخره خدا جوابش رو داد.

***

به زودی مهریه در ایران:

آینه و شمعدون، یک کیلو گوشت چرخ کرده بدون چربی، ده شماره مرغ، یک شانه تخم مرغ، سه بسته ماکارونی، به انضمام دو دست کله‌پاچه کامل، عندالمطالبه.

***

به بابام میگم اگه من تصادف کنم بمیرم پول دیه‌ام رو چیکار می‌کنی؟

میگه می‌بخشم پسرم، می‌بخشم!

میگم چرا می‌بخشی؟

میگه اون آدم لطف بزرگی در حق ما کرده درست نیست هزینَه‌اش هم پرداخت کنه!

***

من غلط‌های املاییم رو این‌جوری تشخیص میدم که انگار این کلمه که نوشتم قیافش جدیده قبلاً یه جور دیگه بود.

***

بابام دو هفته‌ست تا گوشی دستم میگیرم، میاد بغلم میشینه، دستم رو می‌گیره و بعدش چُرت میزنه.

دیشب بهش میگم این کارها واسه چیه؟

میگه تلویزیون گفته فرزندان خود را در دنیای مجازی تنها رها نکنید!

***

آدمی رو توی زندگیتون دارید که وقتی بهتون پیام میده، ضربان قلبتون بالا بره؟

من دارم

مامانم بعد از بیست تماس بی‌پاسخ!

***

گفتن امسال مختارنامه دو قسمت جدید داره که توش جومونگ و تسو متحد میشن و میرن تسو رو میکُشَن(=!

😊داریم خنده ازین زیباتر

انیمیشن :hal money

این داستان: قرمز شدن!

ژانر: فانتزی، کمدی

خلاصه داستان: میلین، دختری سیزده ساله که در کشمکش با شیطنت‌های درونی و گوش کردن به حرف مادرشه و وقتی احساساتش تشدید میشه و به پاندای بزرگ قرمز تبدیل میشه.

نکات مثبت: نشان دادن تغییرات در سن بلوغ، اشاره به چالش‌های نوجوانی، شجاعت، کنترل احساسات.

نکات منفی: دروغگویی کودک به والدین، پنهان کاری، والدین سخت‌گیر و انتظارات آن‌ها.

نظر من: پیشنهاد من این هست که این انیمیشن رو بچه‌های بزرگتر و حدود سن نوجوانی ببینند؛ چون درک بهتری از ماجرا دارن و پاندا شدن میلین در واقع همون نوجوان شدن هستش و با توجه به حساسیت سن نوجوانی که شخصیت اصلی انسان در اون زمان شکل می‌گیره، بهترِ نوجوان‌ها اون رو ببینند؛ درعین حال که بهشون شیطنت‌هات اشکالی نداره یاد میده، احساساتشون رو کنترل کنند و بهشون نشون میده نتیجه پنهان کاری و دروغگویی چی هست.

GROWING UP
IS A BEAST.
Disney · PIXAR
TURNING
RED
Disney+

معرفی فیلم Mastan

اسم: دینامیت

کشور سازنده: ایران

خلاصه: «دینامیت» روایتگر داستان دو طلبه جوان و هم‌درس به نام‌های هادی و محمدحسین است که در جست‌وجوی خانه‌ای برای سکونت در تهران هستند. آن‌ها پس از مدتی موفق به اجاره‌ی آپارتمانی در شمال شهر می‌شوند؛ آپارتمانی که در آن همسایگانی ساکن هستند که سبک زندگی و عقایدشان به‌کل با این دو طلبه در تعارض است. همسایه ساکن در یکی از واحدها مرد لاقیدی به نام اکبر است که امورات زندگی‌اش از فروش م*ش*رو*ب*ات الکلی و مواد مخدر می‌گذرد. همسایگان ساکن در واحد دیگر نیز دو خواهر خوشگذران به نام‌های ساناز و زیبا هستند که هر هفته در واحد خود پا*ر*تی و دورهمی برگزار می‌کنند. در طول همین مدت این همسایه‌ها به مشکلاتی برمی‌خورند که فیلم مشکلات را روایت می‌کند.

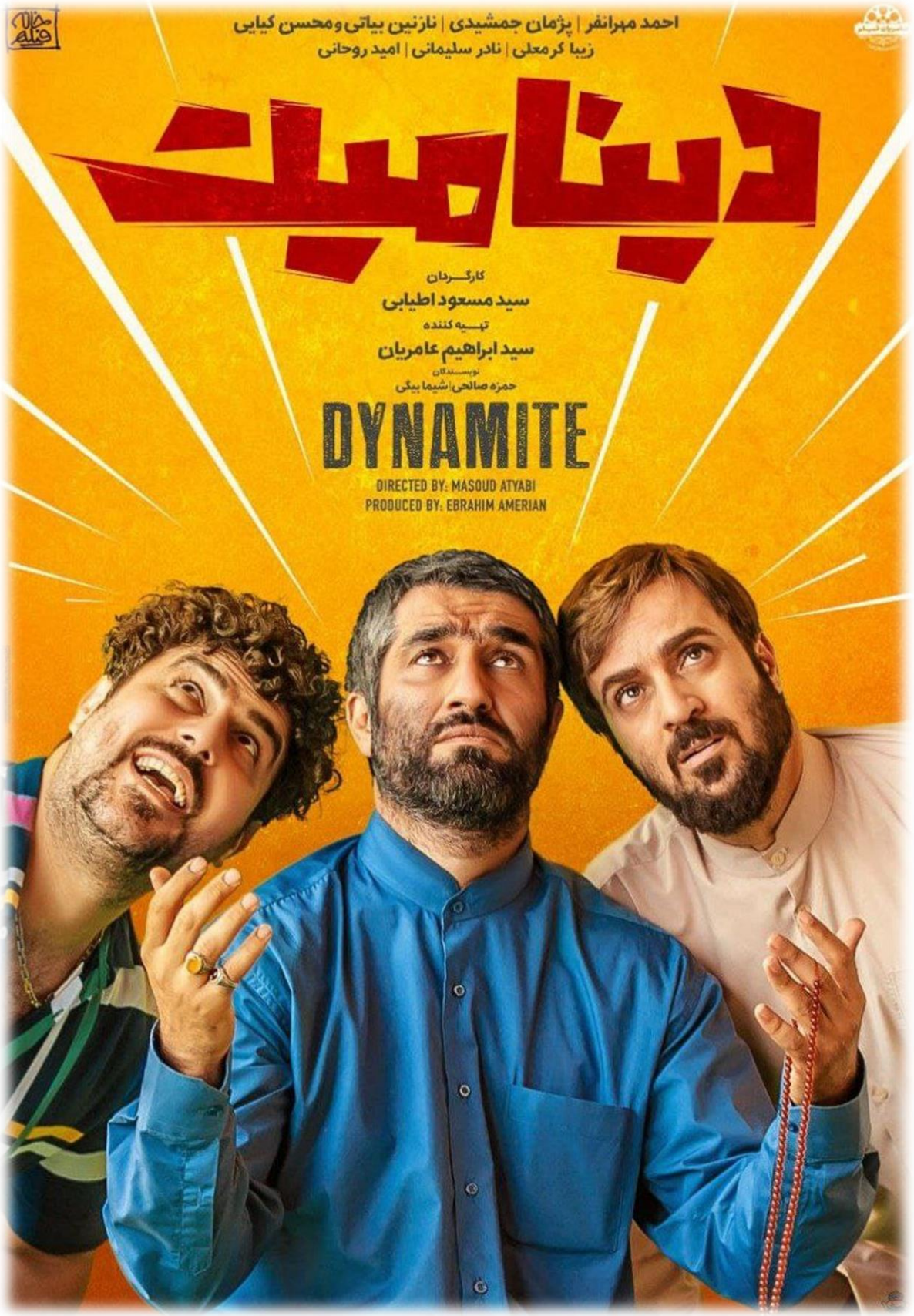
احمد مهرانفر | پژمان جمشیدی | نازنین بیاتی و محسن کیایی
زیبا کرمعلی | نادر سلیمانی | امید روحانی
دینامیت
کارگردان
سید مسعود اطیابی
تهیه کننده
سید ابراهیم عامریان
نویسندگان
حمزه صالحی | شیما بیگی
DYNAMITE
DIRECTED BY: MASOUD ATYABI
PRODUCED BY: EBRAHIM AMERIAN

معرفی کتاب Mastan

اسم: آشنایی با فرهنگ عامه و اقوام ایرانی

نویسنده: جمال انصاری

درباره کتاب: کتاب آشنایی با فرهنگ عامه و اقوام ایرانی ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر یک از اقوام ایرانی را بررسی می‌کند. این کتاب مروری بر آداب و رسوم، جشن‌ها و سوگواری‌ها، بازی‌ها و ترانه‌ها، سازها و موسیقی محلی اقوام ایرانی دارد.

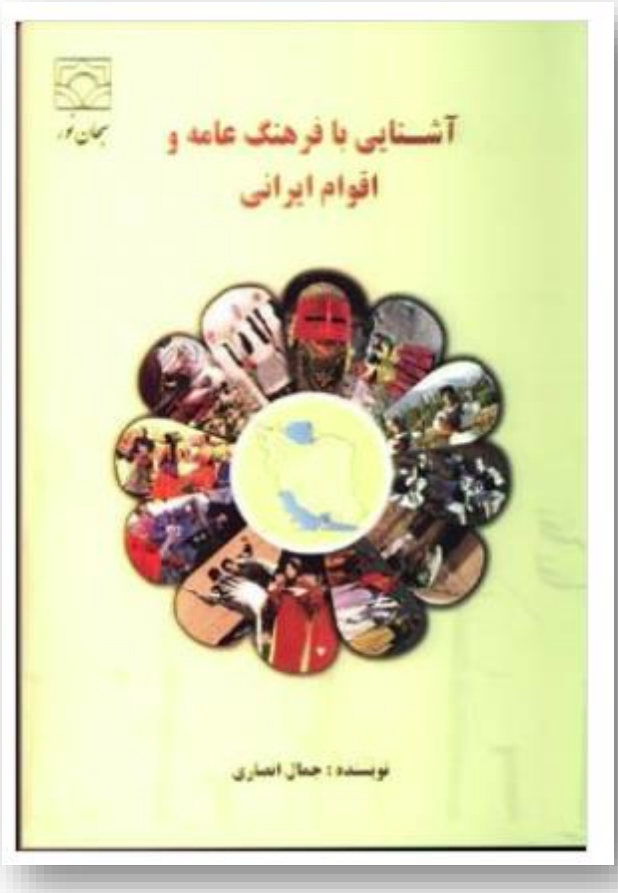

اوریگامی Mastan

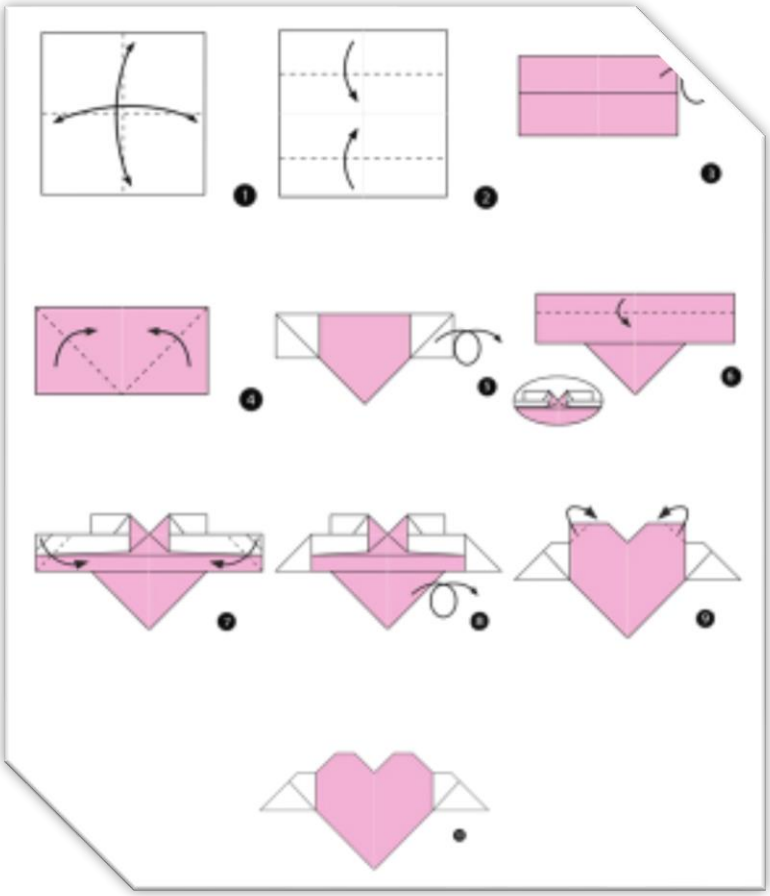

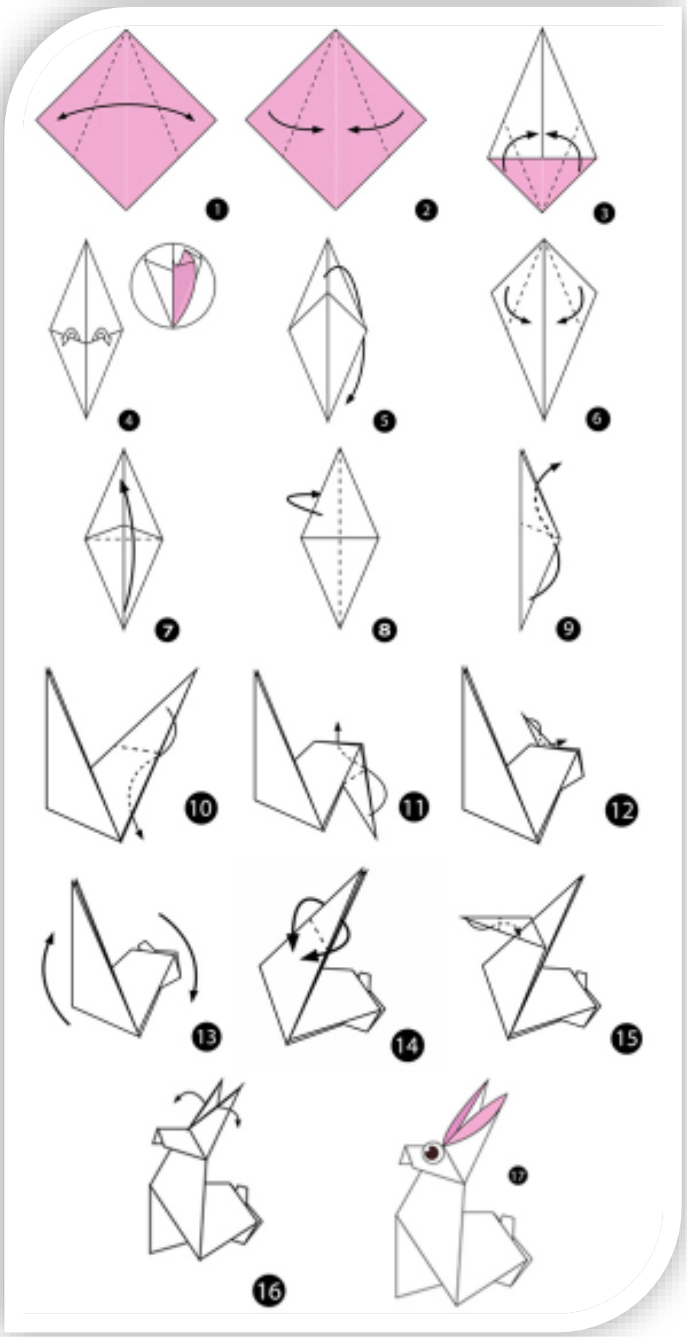

مجله این سری هم تموم شد.

در آخر مرسی که همراهمون بودین و مجله رو تا آخر خوندین.

تیم کوچیک ما به حمایت شما نیاز داره پس لطفا برامون کامنت بزارین

و نظراتتون و بگین.

عاشقتونیم تک رمانی ها

تا مجله بعدی خدا نگه دار

این فایل در سایت تک رمان تایپ و منتشر شده است.هرگونه کپی برداری پیگرد قانونی دارد.

برای منتشر کردن آثار خود به سایت تک رمان مراجعه کنید.

TaakRoman.IR
Forums.TaakRoman.IR